کتاب «مهدی عراقی را بکش» رونمایی شد

کتاب مهدی عراقی یک داش‌مشتی و اسلام‌شناس واقعی بود

مراسم رونمایی از کتاب «مهدی عراقی را بکش» نوشته سید مصطفی حسینی و عبدالرضا نعمت با حضور محسن رفیقدوست، عزت‌الله مطهری (شاهی)، امیر عراقی فرزند حاج‌مهدی عراقی، ابوالفضل توکلی بینا، سعید کرمی مدیر انتشارات سروش و جمعی از علاقه‌مندان به کتاب و فرهنگ برگزار شد.

سید مصطفی حسینی یکی از نویسندگان کتاب در ابتدای این مراسم گفت: پایه اصلی کتاب، مصاحبه‌های مستند تلویزیونی «یکه‌سوار» و فیلم مستند سینمایی «مهدی عراقی را بکش» هستند. مستند تلویزیونی «یکه سوار» در سال ۱۳۹۸ و مستند سینمایی «مهدی عراقی را بکش!» ساخته شد که در سی و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر اکران شد. وی افزود: من از همسر شهید عراقی پرسیدم که چه شد ایشان به شهادت رسید و در پاسخ بلافاصله شنیدم سید مهدی عراقی امام حسین (ع) را خیلی دوست داشت و دوست داشتنش واقعی بود. به نظر من این مراسم و رونمایی‌ها تعارف و تشریفات خوبی هستند اما روزی تمام می‌شوند. ما در ساخت مستند «حاج مهدی عراقی» عهدشکنی از دوستانمان دیدیم که باعث تأسف شد درحالی‌که وفای به عهد یکی از ویژگی‌های بارز شهید عراقی بود. این پژوهشگر گفت: شهید عراقی ویژگی بارزی دارد و آن ویژگی، فرهنگ جوانمردی و لوتی‌گری‌اش است که باعث برجسته‌شدنش می‌شود و درواقع معنی دین هم همین است چون خیلی از عبادات و کارها را خیلی‌ها انجام می‌دهند اما مردانگی و لوتی‌گری، ویژگی همه نیست.

در بخش دوم این نشست دقایقی از مستند سینمایی «مهدی عراقی را بُکش» پخش شد.

سخنران بعدی این مراسم محسن رفیقدوست بود که گفت: افتخار من این است که فرزند سیاسی حاج مهدی‌ام. از اول مبارزه و وقتی که به زندان افتاد و می‌شد به ملاقاتش رفت تا بعد از انقلاب، واقعاً به عنوان یک استاد به شدت دوستش داشتم. او هم ذوالابعاد بود و هم جامع‌الاطراف و نتوانستم در دوستانم فردی به جامعیت حاج مهدی را شناسایی کنم. او یک داش‌مشتی بود که اسلام‌شناس واقعی هم بود.

وی افزود: وقتی حاج مهدی عراقی شهید شد منتظر بودم ببینم امام خمینی (ره) چه می‌گوید؛ «مُردنِ در وقت خواب برای او کم بود» و واقعاً همین‌طور بود. حاج مهدی عراقی بیست‌مَرد بود. اینکه می‌گویم جامع‌الاطراف، به این دلیل است که در هر طیفی که وارد می‌شد، جا داشت. بین ورزشکارها، مبارزان، سیاسی‌ها و ... تکه کلام معروفش هم «مَرده و قولش» بود.

وزیر سپاه در سال‌های ابتدایی انقلاب گفت: یک‌بار بحث بودجه برای مبارزه پیش آمد و حاج مهدی پس از پایان جلسه گفت «بعد از این جلسه می‌خواهیم جلسه دومی داشته باشیم که این جلسه در کوره‌پزخانه‌های اطراف شهر برگزار می‌شود. می‌خواهیم برویم پیش فقرا. حالا مَردها بیایند». حاج مهدی عراقی عامل بود و به چیزی که می‌گفت، عمل می‌کرد. در اولین دیدار من با امام خمینی (ره) که با حضور حاج مهدی و ابوالفضل توکلی‌بینا انجام شد، نگاه‌های امام به حاج مهدی باعث شد آرزو کنم روزی برسد امام به من هم این‌طور نگاه کند. او حاج‌مهدی را با عشق نگاه می‌کرد. می‌دانم که در قشر روحانیت، امام (ره) آقای هاشمی رفسنجانی را خیلی دوست داشت؛ بیشتر از خیلی‌ها اما در غیر روحانی‌ها می‌دانم که شخصیت مورد علاقه‌اش حاج مهدی عراقی بود.

رفیقدوست گفت: اوایل انقلاب یک‌بار به خدمت حضرت امام (ره) رسیدم و مشکلی را مطرح کردم. ایشان گفت: «این مشکل را به حاج مهدی گفته‌اید؟» امام، شخصیت شهید عراقی را قبول داشت. شهید عراقی هم با وجود هر شرایطی که پیش می‌آمد، از اصول نمی‌گذشت. اما سختی شرایط را به راحتی تحمل می‌کرد. من با او در زندان نبودم و وقتی آزاد شد، زمان دستگیری من رسید. در این‌باره سعی کنید از عزت‌شاهی سوال بپرسید. این عزت را رها نکنید! او خیلی مرد است!

عزت‌شاهی در پاسخ رفیقدوست گفت: آن کارها، غرور جوانی بود که رفیقدوست در پاسخ به وی با خنده گفت: فرقی نمی‌کند، فیل مُرده و زنده‌اش یک‌قیمت دارد.

در ادامه رفیقدوست گفت: همه اقشار مبارز، از کمونیست، ملی‌گرا و مذهبی از این‌که حاج مهدی عراقی از زندان آزاد شد، خوشحال بودند و می‌گفتند خیلی از دعواها و جنجال‌ها که پیش آمدند، در صورت حضور حاج مهدی رخ نمی‌دادند. او شخصیت حسابگری بود و برای همه کارها محاسبه داشت؛ مفسری بود که تفسیرهایش را خیلی‌ها نداشتند.

وی در پایان سخنانش گفت: روز ۱۶ یا ۱۷ بهمن امام (ره) مهندس بازرگان را به نخست‌وزیری منصوب کرد. من از خیلی پیشتر با مهندس بازرگان مشکل داشتم یعنی ایشان را قبول نداشتم. امام (ره) از سال ۴۰ به بعد، پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، آیت‌العظمی بود و از سال ۵۶ هم مردم به او امام می‌گفتند. وقتی آقای هاشمی حکم نخست‌وزیری بازرگان را خواند، ایشان پشت میکروفن آمد و گفت «حالا که آیت‌الله خمینی...» من عصبانی شدم و حرف نامربوطی زدم. حاج مهدی عراقی نزدیک من آمد و با اشاره به بازرگان گفت «این آقا، حکم از آقا دارد، خودت را فراموش کن و تا وقتی که حکم دارِد، احترامش را نگه دار!» حاج مهدی واقعاً ذوب در امام (ره) و ولایت بود و سر تشکیل سپاه به من گفت «حواست جمع باشد این سپاه باید سپاه حسینیِ خمینی باشد».

سخنران بعدی این مراسم عزت‌الله مطهری (شاهی) بود که با بیان خاطرات دوران مبارزه و دستگیری‌اش گفت: اگر شرایطی را که دستگیر شدم با ساعتی که در بیمارستان به هوش آمدم مقایسه کنم، می‌بینم اولش چیز دیگری بود و بعدش چیز دیگری شد. من ۷ گلوله خوردم ولی به خاطر علاقه‌ای که به دین و آئین داشتم، وقتی بیهوش می‌شدم، فریاد می‌زدم «حسین آمدم حسین آمدم!» و به خاطر همین فریادها یک ماه کتک می‌خوردم. چون از من می‌پرسیدند این حسین کیست که صدایش می‌زدی؟ و من هرچه می‌گفتم منظورم امام حسین (ع) بوده، بازجوها می‌گفتند «مگر مویز بدون دسته می‌شود؟ تو چه‌طور امام حسین را بدون امامش صدا می‌زنی؟ مگر پسر خاله‌ات است؟» هرچه قسم می‌خوردم که به‌خدا منظورم امام حسین (ع) بوده، آنها باور نمی‌کردند و می‌گفتند مگر تو مسلمانی؟ اما لحظه‌ای که پس از ۱۰ ساعت در بیمارستان به هوش آمدم و دیدم مأمورها و بازجوها دور و برم را گرفته‌اند، چنان از خودم متنفر شده بودم که اگر با آن روحیه وارد فضای بازجویی می‌شدم، شاید بزرگترین خائن به انقلابی‌ها می‌بودم چون ارتباطات زیادی داشتم و می‌توانستم همه را لو بدهم. موقعی که به هوش آمدم با خدا دعوا کردم که چرا من شهید نشده‌ام. بازجوها هم با نیش و کنایه می‌گفتند «کارَت اشتباه بوده که خدا قبولت نکرده، حالا ما می‌کُشیمت که اگر می‌خواهی به بهشت بروی، الان بروی». من این حرف‌ها را می‌گویم چون دیگر آخر عمرم است.

این مبارز سال‌های پیش از انقلاب گفت: وقتی به هوش آمدم دکتر به بازجوها گفت خطر رفع شده اما عجله نکنید. من هم در همان‌حال روی تخت بیمارستان گفتم «می‌خواهم دو رکعت نماز بخوانم» که آنها در جواب گفتند «مگر تو مسلمانی؟» در نتیجه جر و بحثی که با آنها داشتم، گفتند «هر غلطی می‌خواهی بکن!» و من هم که نه آب و نه خاک در اختیارم گذاشته بودند، همان‌طور تیمم کرده و روی تخت شروع به نماز خواندن کردم اما ای‌کاش با همان شرایط روحی می‌رفتم و خیلی چیزها را نمی‌دیدم. به هرحال در همان‌شرایط به خدا گفتم «هر کاری از اول عمر کرده‌ام، به خاطر تو بوده؛ اگر اشتباه هم بوده، به خاطر تو بوده. حالا که می‌خواهی من را با این شرایط ببینی، حرفی ندارم اما من هم می‌خواهم با تو بده‌بستان کنم. می‌خواهم به من تحملش را بدهی و آبرویم را نبردی تا روسپید از این ماجرا بیرون بیایم» همه این حرف‌ها را به عنوان نماز در دلم می‌گفتم و همه این حالات درونی ۵ دقیقه طول نکشید. در نتیجه مَنی که تا پنج‌دقیقه پیش، یک دیگ زودپز بودم و جوش و خروش داشتم، حالا داشتم سر به سر بازجوها می‌گذاشتم و باکی از آن‌ها نداشتم. تا ۴۸ ساعت اولی که از دستگیری‌ام گذشت، نشانی خانه‌ام را ندادم و بار هشتم بود که پس از هفت آدرس اشتباهی، در نهایت نشانه خانه‌ام را دادم.

وی گفت: تا مدت‌ها همه اتهاماتی را که خیلی‌ها گردن من می‌انداختند، می‌پذیرفتم. می‌گفتم بله من این کار را کرده‌ام. اما اقدام مسلحانه علیه رژیم شاه را نمی‌پذیرفتم. فقط می‌گفتم من پخش‌کردن کتاب، رساله و اعلامیه را می‌پذیرم؛ تا سال ۵۴ که وحید افراخته دستگیر شد، من اتهام اقدام مسلحانه را رد می‌کردم اما وقتی افراخته روی من اعتراف کرد، حکم چهار سال انفرادی و شش اعدام برایم صادر شد. در شروع بازجویی‌ها هم شش ماه من را به تخت بسته بودند که در آن مدت، از حمام خبری نبود و در طول روز فقط می‌توانستم یک‌بار به دستشویی بروم.

عزت شاهی در بخش دیگری از سخنانش گفت: من خجالت می‌کشم درباره حاج مهدی عراقی صحبت کنم. از سال ۴۲ که نامش را شنیدم، او را شناختم. باید این را بدانید که بحث تغییر حکومت شاه از سال ۵۰ به بعد و با تبعید امام خمینی (ره) شروع شد و تا پیش از آن خیلی‌ها از جمله خیلی از مذهبی‌ها صرفاً به رعایت ظواهر اسلامی راضی بودند. در آن زمان تعداد مشروب‌فروشی‌ها از کتابفروشی بیشتر بود. بعضی از مراجع هم معتقد بودند همانطور که کندوی عسل ملکه دارد، مملکت شیعه هم باید شاه داشته باشد. حاج‌مهدی عراقی سر ماجرای ترور حسنعلی منصور به اعدام محکوم شد که حکمش به حبس ابد تخفیف پیدا کرد و برای گذراندن حکم به زندان قصر آمد. مدتی را هم به برازجان تبعید شد اما بعد دوباره به زندان قصر برگشت. با توجه به حالت نیمه‌بایکوتی که زندانیان دیگر برای حاج مهدی عراقی و دوستانش برپا کردند، زندان برایشان سخت بود. اینها پیر و سن‌وسال‌دار بودند و نیروهای مجاهدین خلق و دیگر مبارزها، جوان. اما تنها کسی که با جوان‌ها ارتباط داشت و با آنها سروکله می‌زد، حاج مهدی بود. سر مسئله اعتراض زندانیان به کیفیت غذا هم نماینده آنها در آشپزخانه شد تا از کیفیت و سلامت غذا مواظبت کند.

این مبارز پیش از انقلاب در پایان سخنانش گفت: حاج‌مهدی با اخلاق خوب خود، با جوانترها می‌جوشید، می‌گفت و می‌خندید و پاتوقش در اتاق ۳ بند ۲ زندان بود که پاتوق مجاهدین خلق بود. آنها سعی می‌کردند حاج مهدی را داشته باشند. از سال ۵۶ که با رویکردِ دادن آزادی‌های نسبی به مردم، تعدادی از زندانی‌ها را به قید تعهد آزاد می‌کردند، جشن سپاسی راه افتاد که ۷۰ زندانی در آن شرکت و از شاه تشکر کردند. حاج مهدی با چنین برنامه‌ای مخالف بود و در نتیجه تقاضا کرد جایش را عوض کنند.

در پایان این مراسم ابوالفضل توکلی بینا به بیان خاطرات خود از حضور امام خمینی (ره) در پاریس و دهکده نوفل‌لوشاتو پرداخت و به نقش سیدمهدی عراقی در سازماندهی حضور امام خمینی (ره) در آن مکان و سپس بازگشت به ایران پرداخت.

سعید کرمی مدیرعامل انتشارات سروش هم با تقدیر و تشکر از مبارزان دیروز چون عزت شاهی، محسن رفیقدوست و گرامیداشت یاد و خاطره سیدمهدی شجاعی، بر گسترش گفتمان انقلاب اسلامی و انتشار خاطرات و مستندات مربوط به تلاش‌هایی که منجر به پیروزی انقلاب شدند، تاکید کرد.

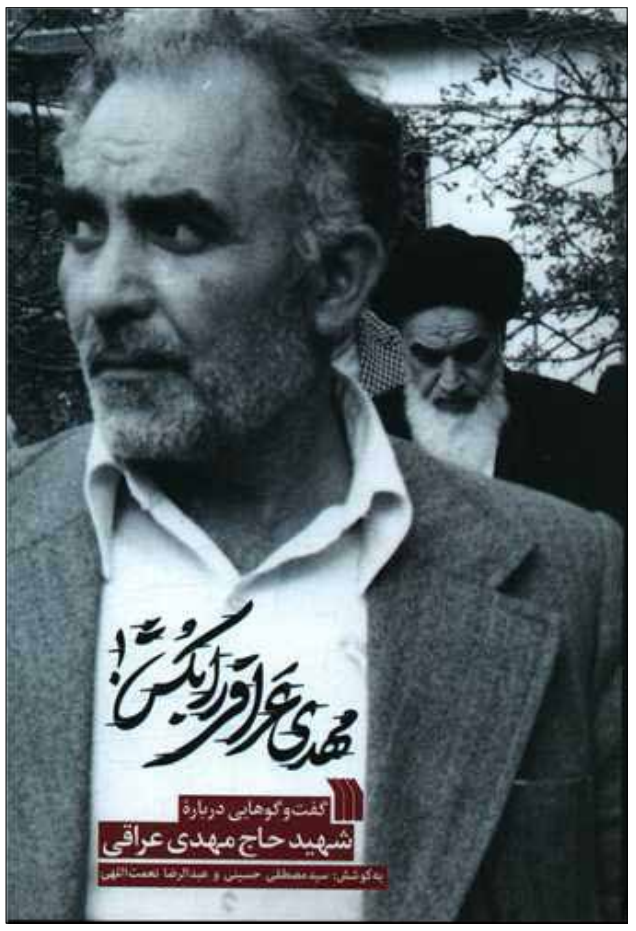

سه دهه پیگیری برای حل معضل

یکی از مسایل و معضلات کنونی حوزه نشر بحث کاغذ است که افزایش افسار گسیخته آن در چند سال اخیر باعث ضرر بسیاری از ناشران شد و این مساله یکی از دلایل افزایش قیمت کتاب شده است. سیدمجتبی مؤمنی هم اخیر در مطلبی با نگاهی به فرمایشات رهبری انقلاب گزارشی درباره راه چاره این کالای استراتژیک نوشته است:

کاغذ و حوزه‌های مرتبط با آن، یکی از مباحث بااهمیت در حوزهٔ تولید و انتشار کتاب محسوب می‌شود. موضوعات مرتبط با کاغذ را در یک نگاه کلی می‌شود به دسته‌های متعددی تقسیم کرد: جنس کاغذ، تولید کاغذ، صرفه‌جویی در مصرف و واردات و صادرات آن و... .

این موضوعات در نگاه ناشران و مخاطبان کتاب اهمیت بیشتری دارد. اهمیت موضوع از نگاه ناشر از این جهت است که برای تولید کتاب‌ها باید کاغذ مناسب را به‌اندازه و با قیمت مقرون‌به‌صرفه استفاده کنند. بدیهی است در صورتی که ناشران نتوانند کاغذ مناسب و با قیمت مقرون‌به‌صرفه پیدا کنند، این مشکل در قیمت تمام‌شدهٔ کتاب‌ها به‌طور مستقیم خودنمایی کرده و قیمت کتاب‌ها افزایش چندبرابری پیدا می‌کند. همین افزایش قیمت در کاغذ، هم دغدغهٔ مخاطب و هم مصرف‌کنندهٔ کاغذ می‌شود. اگر همهٔ این‌ها را کنار هم قرار دهیم، به‌صورت زنجیره‌ای و به‌هم‌پیوسته‌ای شاهد کاهش سرانهٔ مطالعه، افت جریان تولید علم و تنزل سرانهٔ پیشرفت علم خواهیم بود.

اهمیت موضوع کاغذ تا جایی است که از سال‌های دور و از جنبه‌های مختلف، در ادبیات و اندیشهٔ رهبر معظم انقلاب، حضرت‌آیت‌الله خامنه‌ای، به این موضوع اشاره شده و ایشان دربارهٔ آن صحبت کرده‌اند.

ضرورت استفاده از کاغذ

در جست‌وجوهایی که دراین‌باره انجام شده، اولین صحبت‌های ایشان در خصوص کاغذ، ضرورت توجه به موضوع فرهنگ و ضرورت قراردادن کاغذ در اختیار دستگاه‌های تولیدکنندهٔ محتواهای فرهنگی بوده است. ایشان در آذر ۱۳۶۸، در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرمایند: «اگر ما امروز بودجهٔ ارزی یا ریالی را به کار فرهنگی متوجه می‌کنیم، باید توجه نماییم که اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت، این بودجه به درد کارهای اقتصادی و گردش امور اقتصادی کشور ما نخورد، اما در اِندکی بعد از کوتاه‌مدت، نه اینکه در بلندمدت زیاد، عایدی‌اش فوراً به خود ما برمی‌گردد؛ مثل همین مسئلهٔ انتشارات و کاغذ که ما باید بتوانیم کتاب و نشریهٔ علمی و امثال این‌ها را در اختیار داشته باشیم. باید کاغذ را در اختیار دستگاه‌های فرهنگی گذاشت تا بتوانند این کار مهم را انجام بدهند.»

کاهش هزینه برای مخاطب

این دغدغه در سال‌های بعد وارد ابعاد دیگری می‌شود. توجه به هزینهٔ تمام‌شدهٔ کتاب برای مخاطب، از جمله نکاتی است که رهبری به آن توجه می‌کنند. ایشان در سال بعد، یعنی ۱۳۶۹، بعد از بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، در مصاحبه با خبرنگار سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، خطاب به ناشران می‌گویند: «سفارشی هم به ناشران می‌کنم. اگرچه خوب است که کتاب را در کاغذها و جلدهای اعلا چاپ کنند، اما بعضی از کتاب‌هایی که مشتری زیادی دارد، چاپ عمومی و مردمی هم برایش داشته باشند؛ یعنی با کاغذ کاهی و البته با چاپ خوانا منتشر کنند. چاپ باید خوب باشد؛ اما روی کاغذ کاهی بزنند و به میزان زیادی توزیع کنند تا ارزان‌تر تمام بشود و افراد متعدد و زیادتری بتوانند از آن‌ها استفاده کنند.»

توجه ایشان به موضوع کاغذ تا اندازه‌ای است که وقتی در سال ۱۳۷۵ از نمایشگاه بازدید می‌کنند و ناشران هیچ گله‌ای از جریان کاغذ ندارند، ایشان در مصاحبهٔ تلویزیونی خود به آن اشاره می‌کنند.

برای اولین بار

اولین باری که ایشان به‌صورت مستقیم به جریان تأثیر کاغذ بر قیمت کتاب‌ها اشارهٔ مستقیم کردند، در سال ۱۳۷۴ و بعد از نمایشگاه کتاب بود. ایشان بعد از بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب، در مصاحبه با خبرنگار سازمان صداوسیما به مسئلهٔ کاغذ اشاره کردند و فرمودند: «مطلب دومی که من امروز فکر کرده بودم بگویم، مسئلهٔ کاغذ است. من وقتی از ناشران دربارهٔ مشکلشان و فروش کتاب می‌پرسم، بعضی بعد از سؤال من و بعضی بدون سؤال، به مشکل کاغذ اشاره می‌کنند. کاغذ در جامعهٔ ما نباید یک کالای تزیینی و تجملاتی به حساب بیاید؛ بلکه باید یک کالای اصلی محسوب شود. کما اینکه دولت هم برای کاغذ واقعاً یارانه می‌دهد. علی‌ایّ‌حال، الان دولت به روزنامه‌ها، مطبوعات و ناشرین، کمک می‌کند. این کارها می‌شود؛ لکن در عین حال، مشکلات دارند.»

ایشان در ادامه، به‌صورت مستقیم به قیمت تمام‌شدهٔ کتاب اشاره کرده و افزودند: «من می‌بینم کتابی را به قیمت گزافی می‌فروشند؛ در حالی که خریدار نمی‌تواند بخرد. من به مواردی برخورد کردم که قیمت‌ها به نظرم زیاد و بیش از اندازه‌ای که امروز مقتضی است، بود. این بدین خاطر است که ما از لحاظ کاغذ مشکل داریم. خلاصه، باید روی بازیافت، صرفه‌جویی و تولید کاغذ داخلی کار شود؛ یعنی کاری کنند که در کاغذ صرفه‌جویی شود.»

ایشان در انتهای مصاحبه‌شان، به ضرورت موضوع صرفه‌جویی به خصوص در حوزهٔ کاغذ اشاره کردند و گفتند: «امروز با اینکه آدمی گاهی فکر می‌کند که دیگر حالا دوران «ادقوا اقلامکم، قارعوا بین سطورکم» نیست، می‌بینیم نه! اتفاقاً باز هم دوران همین‌هاست. باز هم باید قلم‌ها را ریز تراشید تا کاغذ کمتر مصرف شود و باز هم باید در باب کاغذ، صرفه‌جویی کرد تا به نیاز جامعه برسد. علاوه بر این، مسئلهٔ بازیافت کاغذ و همچنین تولید کاغذ داخلی، باید ان‌شاءالله مورد توجه قرار گیرد.»

دغدغه‌مندی در موضوع کاغذ و اهمیت آن را می‌توان در سال ۱۳۷۵ به‌وضوح مشاهده کرد. به نظر می‌رسد که موضوع کاغذ و دغدغهٔ ناشران در این سال تا اندازه‌ای تعدیل شده باشد. رهبر انقلاب در خرداد ۱۳۷۵ و بعد از بازدید از نمایشگاه، به موضوع کاغذ اشاره می‌کنند؛ اما این بار از نگاهی متفاوت: «نکته‌ای که باید عرض کنم، این است که ناشران ایرانی مثل سال‌های گذشته، از وضعیت کاغذ شکایت نداشتند. در سال‌های گذشته، گاهی از وضع نامطلوب کاغذ و سایر موارد چاپ و نشر گله و شکایت داشتند که امسال بحمدالله این‌طور نبود. الحمدلله این هم خبر خوبی است.»

یک مطالبهٔ مستمر

ایشان در سال ۱۳۹۱، در بازدیدی که با همراهی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت صورت گرفت، در خصوص ضرورت توجه به کاغذ و رفع برخی از موانع تولید و نشر کتاب تأکید کردند: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید با کمک دولت، این موانع به‌ویژه موضوع گرانی کاغذ را برطرف کند.»

ایشان در ادامه و در خصوص تولید کاغذ در داخل کشور و ملی‌شدن تولید آن، این تولید را از جمله تولیدات امتداددار خواندند و خاطرنشان کردند: «مهم‌ترین تولید ملی، تولید امتداددار است و با برطرف‌شدن مشکلات کارخانه‌های کاغذ، قطعاً راه برای کتاب‌خوانیِ بیشتر و ارزان‌شدن قیمت کتاب باز می‌شود.»

پیگیری رهبر انقلاب در خصوص موضوع کاغذ از دستگاه‌های مسئول، موضوعی بود که در این سال‌ها به‌صورت متناوب در جریان بوده است. آخرین پیگیری ایشان در خرداد ۹۸ و در حاشیهٔ بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران صورت گرفت.

در این بازدید و در غرفهٔ مجمع ناشران انقلاب اسلامی، میثم نیلی، مدیر این مجموعه، در حضور رهبر انقلاب مسئلهٔ کاغذ را بزرگ‌ترین مشکل ناشران دانست و گفت: «متأسفانه در کاغذ خودکفا نیستیم. با اینکه راه‌های خودکفایی جلوی روی‌مان باز است.» در این زمان رهبر انقلاب گفتند: «وزیر صنعت شخص اجرایی و پیگیری است» و بعد با اشاره به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفتند: «جلسه بگذارید و این مسئله را حل کنید. باید مسئلهٔ کاغذ را حل کنید. این‌طوری نمی‌شود.»

با بررسی بخشی از نظرات و بیانات رهبر معظم انقلاب، به نظر می‌رسد که دغدغهٔ تأمین، تولید یا قراردادن کاغذ در اختیار ناشران و سیاست‌گذاری درست در توزیع و تولید این محصول برای خدمت به جریان نشر، سابقه‌ای نزدیک به سه دهه دارد؛ اما متأسفانه در طول این مدت، اقدام اساسی و ماندگاری انجام نپذیرفته و بعضاً اقدامات موقت صرفاً به‌منظور تعدیل التهاب بازار کاغذ صورت گرفته است.

اخبار

با حضور معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده

اولین آیین گرامی‌داشت زنده‌یاد دکتر طوبی کرمانی برگزار می‌شود

اولین آیین گرامی‌داشت زنده‌یاد دکتر طوبی کرمانی دبیرکل فقید اتحادیه جهانی زنان مسلمان و نخستین بانوی فیلسوف ایران با حضور انسیه خزعلی معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده در کتابخانه دکتر طوبی کرمانی منطقه ۸ برگزار خواهد شد.

به گزارش امتیاز، اولین آیین گرامی‌داشت زنده‌یاد دکتر طوبی کرمانی دبیرکل فقید اتحادیه جهانی زنان مسلمان و نخستین بانوی فیلسوف ایران با حضور انسیه خزعلی معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده در کتابخانه دکتر طوبی کرمانی منطقه ۸ برگزار خواهد شد. این مراسم در روز دوشنبه ۲۲ شهریورماه ساعت ۱۷ به همت فرهنگ‌سرای گلستان و با مشارکت اتحادیه جهانی زنان مسلمان، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و شهرداری منطقه ۸ برگزار می‌شود.در این مراسم انسیه خزعلی معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده، حجت‌الاسلام حمید شهریاری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، حجت‌الاسلام میثم امرودی رییس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و برخی اعضای اتحادیه جهانی زنان مسلمان و شخصیت‌های فرهنگی و علمی حضور خواهند داشت.علاقه‌مندان برای حضور در این مراسم می‌توانند به کتابخانه دکتر طوبی کرمانی به نشانی میدان سبلان، خیابان جانبازان غربی، خیابان شهید حیدری (۱۴ متری لشگر)، رو به روی بوستان کوثر مراجعه کنند.

طوبی کرمانی اول بهمن ۱۳۲۶ به عنوان ششمین فرزند خانواده در یک خانه قدیمی در اردبیل به دنیا آمد. تفأل به قرآن زدند و نامش «طوبی» شد. امروز آن خانه قدیمی توسط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به عنوان آثار باستانی به ثبت رسیده است. او نخستین بانوی فیلسوف ایران لقب گرفت و دارای مدرک فوق دکتری فلسفه و فارغ‌التحصیل فلسفه تطبیقی و کلام، دبیرکل اتحادیه جهانی زنان مسلمان و مشاور دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی در امور بانوان و عضو هیئت‌مدیره موسسه آموزش شهر بود و سال‌ها در مقام استادی دانشگاه به تربیت شاگردان و اندیشمندان بسیاری پرداخت. دکتر طوبی کرمانی استاد برجسته دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، اولین رایزن فرهنگی زن جمهوری اسلامی، عضو هیئت‌علمی بعثه مقام معظم رهبری، اولین بانوی رایزن علمی جمهوری اسلامی ایران در یونان، مؤلف ده‌ها مقاله و کتاب علمی و فرهنگی و دبیرکل اتحادیه جهانی زنان مسلمان بود. این بانوی فرهیخته نمونه عالی از روش و منش بانوانِ مسلمان را در اندیشه و عمل خود نسبت به آرمان‌های انقلاب اسلامی، مکتب حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(دامت برکاته) و ولایت‌پذیری، به تصویر کشید. همچنین نگارش بیش از ۶۰ مقاله، تألیف و تصنیف ۱۲ کتاب علمی و اجتماعی و شرکت در بیش از ۸۰ کنگره ملی و بین‌المللی در داخل و خارج کشور از جمله آثار علمی و فرهنگی، بخشی از کارنامه این چهره ماندگار و فعال در عرصه‌های علمی و فرهنگی کشور است. دکتر طوبی کرمانی بیشتر عمر خود را صرف تقریب بین مذاهب کرد و در ۲۲ شهریور ماه ۱۳۹۹ در ۷۳ سالگی به دیار باقی شتافت.علاقه‌مندان برای دریافت اطلاعات بیشتر درباره این برنامه می‌توانند با شماره تلفن: ۷۷۶۹۱۵۸۰ تماس بگیرند.

جایگزین جوادی در شرف انتخاب

چه کسی بر صندلی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد می‌نشیند؟

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان سکاندار امور فرهنگی کشور نقش مهمی در ساماندهی وضعیت فرهنگ در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و همسو کردن آن با آرمان‌های انقلاب سال ۵۷ دارد. معاونت امور فرهنگی این وزارتخانه نیز در ساختار فرهنگی کشور از نقش خاصی برخوردار است و می‌توان آن را ستون خیمه‌ای نامید که به زعم رهبر معظم انقلاب باید در حوزه بازسازی انقلابی حوزه فرهنگ هم در ساحت اندیشه و هم در ساحت عمل به ایفای نقش بپردازد. این معاونت متولی امور جریان چاپ و نشر در کشور است، بنابراین اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست.

پس از رای اعتماد نمایندگان ملت به محمدمهدی اسماعیلی به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم، گزینه‌های مختلفی در رسانه‌ها و میان اهالی فرهنگ به عنوان گزینه‌های احتمالی معاونت فرهنگی مطرح شدند. نام‌هایی که هرکدام از سوابق مهمی در حوزه‌های مختلف فرهنگی از جمله صنعت چاپ و نشر داشتند، اما گمانه‌زنی‌ها حاکی است که اکنون از میان آن چهره‌ها و شخصیت‌ها دو نام به کرسی معاونت فرهنگی این وزارتخانه نزدیکتر شده‌اند: مهدی رمضانی و یاسر احمدوند.مدرک دکتری عرفان و تصوف اسلامی از دانشگاه ادیان و مذاهب قم دارد و هم‌اکنون به عنوان معاون نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر مشغول به خدمت است. او سوابق مهمی در عرصه نشر دارد. از مدیریت انتشارات موسسه همشهری گرفته تا معاونت اجرایی مجمع ناشران انقلاب اسلامی، مدیرعامل شرکت پخش محصولات فرهنگی ترنج، مدیرعامل فروشگاه‌های ترنجستان، مدیریت مرکز آموزش‌های کاربردی نشر، مدیریت روابط عمومی بنیاد دایرةالمعارف و عضویت در هیات مدیره مجتمع چاپ واژه‌پرداز اندیشه. دبیر جشنواره کتاب کودکان دفتر تبلیغات اسلامی، سردبیری هفته‌نامه صداوسیما و فصلنامه دیدار، سردبیری هفته‌نامه همشری محله، سردبیری ماهنامه مهر و ماه، مدیر مسئولی نشریه شیرازه کتاب و سردبیری سایت کانون اندیشه جوان از دیگر سوابق فرهنگی احمدوند است.

مهدی رمضانی نیز هم‌اکنون معاون توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور است. در کارنامه کاری او معاونت مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد. او همچنین مدتی را نیز در سمت مشاور مرحوم حجت‌الاسلام روح الله حسینیان، رییس فقید مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران به ایفای مسئولیت پرداخت.عضو و نایب رئیس هیئت مدیره موسسه نشر شهر و نایب رییس هیئت مدیره باغ کتاب از جمله دیگر سوابق وی است.

سوابق این دو چهره فرهنگی در حوزه چاپ و نشر امیدها را به بهبود معضلات مهم و ریشه‌ای صنعت نشر ایران از جمله اعمال سلیقه بررس‌های کتاب‌ها در زمینه صدور مجوز و همچین سیستم توزیع کتاب زنده می‌کند. سال‌هاست که اهالی قلم نسبت به اعمال سلیقه در زمینه صدور مجوز انتشار کتاب‌ها گلایه و اعتراض دارند و این میان حتی برخی اتفاقات مضحک نیز رخ داده است که از جمله آنها می‌توان به دو ترجمه‌های دو مترجم از یک کتاب اشاره کرد که توسط ناشران خود برای اخذ مجوز به وزارت ارشاد ارسال شدند. یکی از این دو ترجمه موفق به اخذ مجوز بدون هیچ حذفیاتی می‌شود و مجوز انتشار ترجمه دیگر مشروط به حذف یک فصل از کتاب می‌شود.

مشکل دیگر مسئله توزیع کتاب است. ساختارهای فعلی به‌گونه‌ای است که کتاب‌ها پس از انتشار صرفاً تا مدتی در کتابفروشی‌های تهران عرضه می‌شوند و زمان زیادی باید صرف شود تا کتاب به کتابفروشی‌ها شهرستان‌ها برسد. تعطیلی مداوم کتابفروشی‌های محلی بویژه در شهرستان‌ها نیز معضل دیگری است. پس از انقلاب حل مشکل سیستم توزیع را در راهکارهایی چون نمایشگاه کتاب تهران و نمایشگاه‌های استانی کتاب دیده‌اند.

این راهکارها هرچند به عنوان مسکنی برای ناشران عمل می‌کنند، اما مشکلات بیشتری را موجب شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به نابودی کتابفروشی‌های محلی اشاره کرد. نمایشگاه‌های کتاب در اصل فروشگاه‌های بزرگ کتاب هستند و چون از طرف دولت حمایت می‌شوند، رقیب عمده کتابفروشی‌های خصوصی به شمار می‌آیند. البته در این سال‌ها سعی شده که با پیگیری برنامه‌هایی از جمله طرح‌های فروش فصلی به کتابفروشی‌ها نیز توجه شود، اما این نیز راه حلی ریشه‌ای نیست. حمایت از ناشران و اهالی قلم آسیب دیده از شیوع ویروس کرونا نیز باید یکی از برنامه‌های اصلی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد. به طرح‌های حمایتی در دوره قبل ایراداتی از جمله دیده نشدن ناشران فعال در استان‌های مختلف کشور، وارد بود. گویا صرفاً طیف محدودی از ناشران شهرستانی زیر چتر حمایتی وزارت ارشاد قرار گرفته بودند.

«اخلاق اطلاعات؛ مبادی و مسائل» منتشر شد؛

سرنخ‌های اصلی تفکر اخلاقی در حوزه اطلاعات

سازمان سمت کتاب «اخلاق اطلاعات؛ مبادی و مسائل» تالیف مهدی شقاقی را در ۲۸۸ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۴۶ هزار تومان منتشر کرد. کتاب حاضر برای دانشجویان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «مبانی اخلاق حرفه‌ای» تدوین شده است. علاوه بر آن در دوره کارشناسی رشته مطالعات ارتباطی برای درس «اخلاق رسانه» و همچنین برای دوره کارشناسی ارشد رشته دین و رسانه برای درس «اخلاق و رسانه» و دوره کارشناسی ارشد رشته تکنولوژی آموزشی برای درس «فلسفه و اخلاق در فناوری» و همچنین دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت رسانه برای درس «اخلاق حرفه‌ای» می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

نویسنده در مقدمه آورده است: ««اطلاعات» کلمه‌ای است که در گفت‌وگوهای روزمره مردم عصر حاضر بسیار به کار می‌رود و شاید بتوان گفت که تکرار آن به مر